

هدف کلی: تبیین موضوع اختیار انسان و نسبت آن با نظام حاکم بر هستی

هدف های آموزشی

درک وجدانی بودن اختیار و نشانه های فراوان آن در زندگی

توجه و آگاهی به زمینه های شکوفایی اختیار

تبیین نسبت اختیار با قضا و قدر الهی

تبیین رابطه اختیار با اراده الهی

شناخت محدوده و چارچوب اختیار

مجتبی محمودی

دبیر دین و زندگی شهرستان ایذه

سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

به کانال ما در تلگرام بپیوندید

t.me/mahmoudi_izeh



قدرت پرواز

درس پنجم

نکته

در درس های پیشین دانستیم که تنها خالق، مالک، ولی، رب و مدبّر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در اداره جهان با او شریک نیستند. همه موجودات، تحت اراده و تدبیر خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می کنند.

در این درس، به بررسی و پاسخ این سؤال ها خواهیم پرداخت که :

۱- با توجه به اینکه همه رخدادهای جهان، تحت قوانین و تدبیر خداوند است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟ آیا این قوانین مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب برای شکوفایی آن؟

۲- در این نظام که با علم و اراده الهی اداره می شود، جایگاه اراده انسان کجاست؟ آیا اراده الهی مانع اراده انسان است؟

۱- عمل غیراختیاری و عمل اختیاری را با ذکر مثال با هم مقایسه کنید؟
۲- اختیار به چه معناست و چگونه حقیقتی است؟

اختیار، حقیقتی وجدانی^۱ و مشهود

۱) میان حرکات قلب یک فرد برای گردش خون و حرکات پای وی به هنگام قدم زدن، تفاوت اساسی وجود دارد، همچنان که تفاوت است میان حرکات دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد با حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می‌آورد. ضربان قلب و حرکت دستی که لرزش دارد اختیاری نیست؛ ولی حرکات پا برای رفتن به سوی یک مقصد و حرکات دست در هنگام غذا خوردن اختیاری و تابع اراده انسان است.^۱

۲) اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی است و هر انسانی آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند. مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این‌گونه یادآوری می‌کند:

آن یکی می‌رفت بالای درخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دَنی
گفت: از باغ خدا بنده خدا
پس بیستش سخت آن دم بر درخت
گفت: آخر از خدا شرمی بدار
گفت: کز چوب خدا این بنده‌اش
چوب حق و پشت و پهلو، آن او
گفت: توبه کردم از جبرای عیار

پیام اشعار: **وجود توانایی اختیار در انسان یک حقیقت وجدانی است**

۳) البته باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور اختیاری نیست و ما در وقوع آنها نقشی نداریم. به‌عنوان مثال، هیچ‌یک از ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود، مانند دستگاه گوارش و یا گردش خون و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین، توالی فصل‌ها و... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به‌صورت طبیعی انجام می‌شود. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده سرنوشت ماست.^۳

۱- حقایق وجدانی، اموری هستند که به قدری آشکار و بدیهی می‌باشند که هرکس بدون نیاز به هیچ دلیل و واسطه‌ای در درون خود به آنها علم دارد.
۲- مثنوی معنوی، مولوی، دفتر پنجم، با اندکی تلخیص.

۳- آیا همه امور زندگی ما اختیاری هستند؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

۱- شواهد وجود اختیار در انسان را نام ببرید و هر کدام را توضیح دهید؟

تفکر و تصمیم
احساس رضایت یا پشیمانی
مسئولیت پذیری

با وجود روشن بودن اختیار و بی‌نیازی آن از استدلال، همه ما شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابیم که عبارت‌اند از: توضیح ۱

۱- تفکر و تصمیم (هرکدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را می‌سنجیم و سپس دست به عمل می‌زنیم. گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار، کدام یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم.)
توضیح ۱

این بیت به یکی از شواهد وجود اختیار در انسان یعنی تفکر و تصمیم اشاره دارد

این که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم^۱

۲- احساس رضایت یا پشیمانی (هرگاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می‌دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم. در این هنگام احساس پشیمانی می‌کنیم و با خود می‌گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته‌ام)
توضیح ۲

این ابیات به یکی از شواهد وجود اختیار در انسان یعنی احساس رضایت یا پشیمانی اشاره دارند
گر نبودی اختیار این شرم چیست
این دریغ و خجلت و آزر چیست؟

وان پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی^۲

۳- مسئولیت‌پذیری (هرکدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم، آن را جبران می‌کنیم. عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد خود را مستحق مجازات می‌داند.)
توضیح ۳

این ابیات به یکی از شواهد وجود اختیار در انسان یعنی مسئولیت‌پذیری اشاره دارند
هیچ گویی سنگ را فردا بیا
ور نیایی من دهم بد را سزا؟
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟^۳

۲ (خدای متعال، متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از

۱- مثنوی معنوی، مولوی، دفتر پنجم.

۲- همان.

۳- همان.

۲- خدای متعال چگونه بشر را راهنمایی کرده است؟

راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بپیماید) ۲ **پیام ایه:** این ایه به وجود توانایی قدرت اختیار در انسان اشاره می کند

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۱

ترجمه: ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس
تدبیر در قرآن (۱)

پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید هر یک از این آیات کدام یک از شواهد و نشانه‌های وجود اختیار در انسان را بیان می کند؟

به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان
به سوی شما آمده است

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ^۲ مِنْ رَبِّكُمْ

پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست

فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ

و هر کس کور دل گردد، به زیان خود اوست

وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا...^۳

اشاره آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم گیری که نشانه ای از اختیار انسان است

این عقوبت | به خاطر کردار پیشین شماست

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيْدِكُمْ

و نیز به خاطر آن است که خداوند هرگز به

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ^۴

بندگان ستم نمی کند

پیام ایه

این ایه به وجود اختیار انسان در پذیرش یا رد دلایل الهی اشاره دارد

پیام ایه

اعمال اختیاری انسان علت گرفتاری به عقوبت الهی است

اشاره به این نکته دارد که انسان مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است

قانونمندی جهان، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار^{که}

پاسخ

خداوند^{که} قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما^{که} خواسته است^{که} با استفاده از آن، برای زندگی خود

سوال

برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آنجا پیش برویم که جز خداوند کسی به عظمت آن آگاه نیست. پاسخ

ممکن است در اینجا این سؤال به ذهن برسد که ما در جهانی زندگی می کنیم که خداوند امور آن را

تدبیر می کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می کند و

به پیش می رود؛ به عبارت دیگر، ما در جهانی زندگی می کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است

قانونمند است؛ پس در این صورت، آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار ما نیست؟

قبل از پاسخ به این سؤال لازم است این دو اصطلاح قرآنی، یعنی «قدر» و «قضا» را بیشتر بشناسیم

و در معنا و مفهوم آنها عمیق تر تأمل کنیم.

۱- سوره انسان، آیه ۳.

۲- بصائر: دلایل روشن.

۳- سوره انعام، آیه ۱۰۴.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۸۲.

- ۱- قدر به چه معناست؟ ۲- قضا به چه معناست؟
 ۳- مخلوقات جهان، چگونه به تقدیر و قضای الهی وابسته هستند؟
 ۴- اینکه می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به چه معناست؟

قدر و قضای الهی^۱ («قَدَر» و «قَدَر» به معنای «اندازه» است و «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن»)

۲ («قضا» نیز به معنای «به انجام رساندن»، «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است.)

۳ (مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و

زمانی آنها را تعیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته هستند و از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی

ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند) پس اینکه می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است،

۴ (به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و

از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست (قضا). به همین دلیل، نه در نقشه

جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.)^۴

حال با توجه به معنای قدر و قضا، اگر وضع جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی

قرار نداشت (قانونمند نبود)، آیا می‌توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، با اختیار خود

دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم؟

از این رو، فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد؟

سوال

پاسخ (زیرا اگر وقایع جهان قانونمند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می‌داد، انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند.

آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست؛ یعنی می‌دانیم که

خداوند آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود) ^{پاسخ} اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و

نظم فعلی جهان را یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بداند، اگر واقعاً بخواهد همین نگاه را

مبنای عمل خود در زندگی قرار دهد، چه خواهد کرد؟ آیا امکان استفاده از اختیار را در چنین جهانی

خواهد داشت؟

تفکر

دربارۀ سؤال‌های بالا بیندیشید و نظر خود را درباره‌ی هر یک از آنها ارائه دهید.

۱- دبیر محترم، تفکیک قضا و قدر از یکدیگر، تنها یک تفکیک ذهنی و برای درک مفهوم آنهاست و در عالم واقع، قضا و قدر قابل

تفکیک نیستند، زیرا تا خداوند ویژگی‌های مخلوقی را تقدیر می‌کند، آن مخلوق تحقق هم می‌یابد: *إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ* (سوره بقره، آیه ۸۲). به تعبیر دیگر میان تقدیر یک شیء از سوی خداوند (قدر الهی) و تحقق آن (قضای الهی) فاصله‌ای نیست. پس هر

مخلوقی هم دربردارنده مفهوم قضا و هم قدر است. یعنی از آن جهت که دارای ویژگی‌هایی است، مشمول تقدیر الهی و از آن جهت که تحقق

یافته، مشمول قضای الهی شده است. از این رو، طراحی سؤالاتی که از دانش‌آموز می‌خواهد مشخص کند که یک شیء شامل قضای الهی

شده یا تقدیر الهی، از اساس غلط است.

۱- چرا بدون قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید؟

۲- سخن امام علی (ع) که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم» را توضیح دهید؟ به صورت خلاصه

۳- چگونه متوجه می شویم که جهان آفرینش مجموعه ای از قدرها و قضاها الهی است؟ مثال بزنید

اصلاح یک پندار

۱ (برخی که می پندارند قدر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است، تصور می کنند تقدیر، چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می زند؛ در حالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان بر اساس قواعدی بنا شده است و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره گیری است. پس بدون قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید.)^۱

روزی امیرمؤمنان علی علیه السلام با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بود. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای اینکه مبدا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آنجا برخاست و زیر سایه دیوار دیگری نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت:

– یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می گریزی؟

امام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم.»^۱

۲ (یعنی از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می برم.)

برداشت نابجای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین، حرکت و تغییر مکان و تصمیم گیری بر اساس دستور عقل بی فایده است. اما امیرالمؤمنین علیه السلام با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قدر و قضای الهی را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه ساز آن است^۲ در واقع (فرو ریختن دیوار سستی و کج یک قضای الهی است، اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی سستی و کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند. بنابراین، جهان آفرینش مجموعه ای از قدرها و قضاها الهی است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین ها را انتخاب کند.)^۳

اختیار انسان، یک تقدیر الهی

۴ (وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوئیم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. اینها ساده ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها، کمیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود^۴) (اینکه آب در چه درجه ای

۱- توحید، شیخ صدوق، ص ۳۲۷.

۴- وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوئیم، منظورمان چیست؟

۵- چند مورد از تقدیرات الهی را نام ببرید؟

۱- چرا کسی نمی تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؟

۲- علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند را نام ببرید و هر کدام را با ذکر مثال توضیح دهید؟ ← علت عرضی ← علت طولی

به جوش آید، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضای تشکیل شود، هر عضوی کدام کار را انجام دهد، همه و همه از تقدیرات الهی است.) یکم از تقدیرات الهی، برای انسان این است که او دارای اختیار باشد؛ یعنی همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

نکته

به تعبیر دیگر (خداوند این گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند، باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.) ۱

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

در اینجا ما با یک مسئله دیگر روبه رو می شویم. آن مسئله این است که: چگونه می توان هم به قضا و اراده الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خداوند انجام می شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می دهد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر آشنا شویم. این علت، بر دو دسته اند:

۱- علت عرضی: (در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند؛ مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می آورند؛ یا مثلاً وقتی دو نفر دسته های یک گلدان بزرگ را می گیرند و جابه جا می کنند، هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می کند که باعث جابه جایی گلدان می شود. در هر دو مثال، هریک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، مستقل از دیگری، اعمال می کند تا گل بروید یا گلدان جابه جا شود. این گونه علت را «علل عرضی» می گویند. در علت عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.



۲- علت طولی: گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال، به هنگام نوشتن، چند عامل در طول هم در انجام این کار دخالت دارند:

- نفس یا روح که اراده نوشتن می کند؛

- ساختار عصبی بدن که با اراده نفس، موجب حرکت دستان می شود؛

اینکه می‌گوییم وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست، به چه معناست؟
چرا اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد؟ دو سوال و یک پاسخ



– دست که قلم را به حرکت درمی‌آورد؛

– قلم که با حرکت خود در صفحه، جملات را می‌نگارد.

کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هریک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود محصول کار دستگاه عصبی است. این کار هم ناشی از اراده‌ای است که برآمده از نفس شمامست. این علت‌ها را «علل طولی» می‌گویند. در مثال پرورش گل، علت‌ها در عرض هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند)، اما در مثال نوشتن، علت‌ها در طول هم هستند (در یک ردیف و مستقل نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است).
۱) وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری را نکرده‌ایم، آن کار انجام نمی‌گیرد؛ در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد. ۱

نکته

بررسی

با اینکه قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟
معمولاً آدمها نمی‌خواهند ببینند که خودشان علت شکست‌های خود بوده‌اند و تصمیم‌های غلط آنها باعث شده که فلان حادثه و اتفاق پیش بیاید و نتوانند موفق شوند.

شکست‌ها و موفقیت‌ها، هم به قضای الهی بستگی دارد و هم به اختیار ما، یعنی خداوند نظام جهانی را به گونه‌ای تقدیر کرده و سامان داده که مثلاً اگر کسی از کوه پرت نشود، آسینب‌هایی به او وارد شود و اگر ابزار و وسایل کوه نوردی همراه داشته باشد، کمتر آسیب ببیند و یا اصلاً آسیب نبیند. حال اگر کسی از ابزار کوه نوردی استفاده نکند و دچار آسینب شد، این آسینب‌زدگی هم به قضا و قدر الهی مربوط است و هم به تصمیم‌های اختیاری او.

نمونه

مخصوص رشته انسانی
پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی علیه السلام سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟
آن حضرت پاسخ داد: «آری، از هیچ تپه‌ای بالا نرفتی و در هیچ وادی سرازیر نگشتی، مگر به قضا و قدر الهی.»
مخصوص رشته انسانی

آن مرد پرسید: «پس رنج‌های مادر این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می‌شود.)
امام علیه السلام، فرمود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با اراده خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به اراده خویش در آنجا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به اراده خود بازگشتید و در هیچ‌یک از این مراحل مجبور نبودید.»
سپس امام، به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید از اینکه گفتم رفتنتان بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»
مخصوص رشته
انسانی

پاسخ به یک پرسش

پاسخ به یک پرسش

ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که «اگر خداوند از قبل، سرنوشت و آینده مرا می‌داند، پس دیگر تلاش و اراده من، چه نقشی در آینده ام دارد؟»
چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از مقایسه کردن علم خدای متعال با علم انسان است و از لغزشگاه‌هایی است که قرآن کریم بیوسته در این باره هشدار می‌دهد.
کلید پاسخ به این سؤال در این نکته نهفته است که علم خداوند هم پایان و نتیجه امور و هم فرایند انجام حوادث را در بر می‌گیرد. در حالی که علم انسان‌ها چنین نیست. مثلاً یک کارشناس فوتبال که نتیجه یک مسابقه را پیش‌بینی می‌کند، یا معلمی که آینده یک دانش‌آموز را حدس می‌زند، هر یک بر اساس اطلاعات محدودی که دارند، دست به این کار می‌زنند؛ اما آن معلم علم ندارد که این دانش‌آموز از لحظه بعد تا روز امتحان چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت، آیا متحول خواهد شد یا به راه گذشته ادامه خواهد داد. در حالی که علم خداوند این گونه نیست. او همان‌طور که پایان فرایند را می‌بیند بر تمام اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های طول فرایند هم شاهد و آگاه است. او می‌داند که مثلاً فردا آن دانش‌آموز به اختیار خود تصمیم می‌گیرد ساعات مطالعه خود را افزایش دهد، تصمیم می‌گیرد از میزان خواب خود کم کند و ده‌ها تصمیم اختیاری دیگر. همچنین می‌بیند که این تصمیم‌ها در پایان، منجر به قبولی وی خواهد شد. پس علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی فرایند نیست، بلکه به سلسله تصمیم‌ها و عوامل دیگر مؤثر در آن فرایند نیز متعلق است. در حقیقت، علم خداوند، پیش‌بینی صرف درباره نتیجه نیست، بلکه خداوند با شناخت کامل و دقیقی که از مخلوقات خود دارد، می‌داند که این فرد با انتخاب خودش، چه مسیری را در پیش می‌گیرد.

قدرت پرواز

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر صحیح و کدام یک غلط است؟

۱- اختیاریه معنای توانایی برانجام کار و یا ترک آن است یک حقیقتی است که نیازمند دلیل است **غلط**

۲- هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می دانیم به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می پذیریم **صحیح**

۳- خدای متعال متناسب قوه اختیار بشر را راهنمایی نمی کند بلکه او را مجبور آفریده است **غلط**

۴- کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از آن بهره می برد و آن را اثبات می کند **صحیح**

۵- ما در جهانی زندگی می کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است **صحیح**

۶- در علل طولی، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است **غلط**

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

۱- وجود اختیار واراده در انسانی ناشی از.....وخواست خداست . **اراده الهی**

۲- موجودات جهان از ان جهت که با فرمان واراده الهی ایجاد می شوند به وابسته اند. **قضای الهی**

۳- قدر و قدر به معنایو تقدیر به معنای.....است. **اندازه - اندازه گرفتن**

۴- قضا به معنای انجام رساندن، پایان دادنو.....است. **حکم کردن - حتمیت بخشیدن**

۵- اختیار به معنای توانایی برانجام یک کار و یا ترک آن است یک حقیقت.....است. **وجدانی**

۶- اراده انسان در و با ان منافات ندارد. **طول اراده خداست**

مجتبی محمودی، دبیر دین و زندگی شهرستان ایذه

t.me/mahmoudi_izeh: لینک کانال تلگرام